کنفرانس ملی
چالشهای معاصر در معماری، منظر و شهرسازی
National Conference on
Contemporary Challenges in Architecture, landscape and Urban Planning
March 3, 2016 تهران -اسفندماه ۱۳۹۴

ارسن نقش جهان اصفهان و نقش آن در عوامل اجتماعی

دوره صفوی

غلامرضا ابراهیمی[۱]*، میترا شاهی[۲]، مهسا غیاثوند[۳]، مژگان حسینی[۴]

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر پست الکترونیکی: newland۲۱۸۹@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر. آدرس پست الکترونیکی: Mitra.shahi@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر. آدرس پست الکترونیکی: Mahsaghiasvand۰@gmail.com

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر. پست الکترونیکی: Mozhganhosseini۳۲۱@yahoo.com

چکیده

شکل‌گیری هر اثر هنری و هر بنای شهری متاثر از شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی حاکم بر جامعه‌ی مربوط و ویژگی‌های زیبایی شناسی اثر برگرفته از تعریف جامعه از زیبایی‌شناسی و هنر می‌باشد. در ایران دوره‌ی صفوی، جامعه به شدت تحت تاثیر تفکرات اسلامی و هنر قدسی بود.

آموزه‌های اسلامی یکایک در تار و پود جامعه رسوخ کرده بود تا جایی که نشانه‌ها و آثارش را می‌توانیم در بناهای به جا مانده از آن دوران به وضوح مشاهده کنیم. تحولات سیاسی اجتماعی پس از حمله‌ی مغول و اقدامات که از زمان شاه طهماسب شروع و در زمان شاه عباس به اوج خودش رسید، نقطه عطفی در ایجاد مکتب شهرسازی اصفهان بود. شکل‌گیری میدان نقش جهان با عملکردهای مختلف بیانگر نهادینه شدن اصول دینی همچون وحدت در جان معماری آن دوران می‌باشد که شاهدی بر انگاره وحدت و کثرت در معماری ایران بود.

کلمات کلیدی: میدان نقش جهان ، جامعه شناسی اسلامی، معماری اسلامی ، معماری دوره صفویه

۱. مقدمه:

در مطالعات میان رشته ای، شناخت زمینه های مشترک برای آغاز بحث ضرورت دارد. در بسیاری از موارد، تداخل و تلفیق این حوزه ها بگونه ای است که مرز میان این رشته ها به سختی تشخیص داده می شود و این ادغامات و تداخلات سبب شکل گیری آثار علمی و هنری شده که نسبت دادن این آثار تنها به یک زمینه ی فکری یا یک حوزه اندیشه جایز نیست. در پژوهش پیش رو، آنطور که از عنوان پیداست، سه حوزه ی جامعه شناسی، اسلام و معماری(به عنوان شاخه ای از هنر) مطرح است؛ به همین دلیل در ادامه تعاریفی مربوط به مباحث جامعه شناسی هنر و همینطور معماری اسلامی، جهت ایجاد زمینه روشن برای ادامه مقاله ارائه خواهد شد. جامعه شناسی دانشی است با هدف تحصیل شناخت بهتری از جامعه و به دنبال آن ارائه راهکارهایی برای رفع و حل مسائل اجتماعی و حرکت جامعه به سمت بهبودی و بهروزی (راودراد،۱۳۹۳؛۲۹۴). جامعه شناسی هرگز نباید از جامعه به عنوان ماهیتی ایستا ، ثابت و ساکن چون سنگ سخن بگوید بلکه باید آنرا به صورت جنبشی از خلاقیت دسته جمعی و پویا ببیند که هیچ چیز نمی تواند آنرا بایستاند ، زیرا جوامع بنا به ذات خود هرگز به یک شکل نهایی نمی رسند(دووینیو،۱۳۹۲؛۲۰). معماری اسلامی در مقام توصیف، به بازه گسترده ای از آثار معماری اطلاق می گردد که در طول سالهای متمادی رونق اسلام در سرزمینهای اسلامی شکل گرفته اند . (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳؛۵۹).

۲. بیان مساله:

انسان بر اساس جهان‌بینی خود همواره با محیط در یک بر هم‌کنشی بوده و تاثیر و تاثری که می‌پذیرند اساس بسیاری از مطالعات را شکل داده است.تاثیر انسان در محیط بر پایه جهان‌بینی یا فلسفه زندگی شکل می‌گیرد.این تاثیر به گونه‌ای پا برجاست که عده‌ای معتقدند برای نمونه شهر اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی است و تنها با درک اصول و قوانین آن می‌توان با اکولوژی شهرهای اسلامی آشنا شد.(اصول ساخت و ساز سنتی در اسلام،هشام مرتضی،۱۳۸۷،۱۱) بنا بر این مساله اساسی در این پژوهش چگونگی شکل گیری این مجموعه ها و بنا ها با توجه به همین تفکرات اجتماعی است و اینکه تا چه اندازه این آثار به نیازهای این جوامع پاسخ داده اند. لذا در این پژوهش مجموعه نقش جهان اصفهان از دیدگاههای تاریخی، اجتماعی، سیاسی و بالاخص جامعه شناسی بعنوان مصداق مورد مطالعه تطبیقی قرار خواهد گرفت.

۳. روش تحقیق:

این تحقیق به لحاظ محتوا نوعی پژوهش کیفی بشمار می آید که در طول تحقیق یک بررسی تاریخ نگارانه صورت پذیرفته اما اساس پژوهش متکی بر روش تفسیری-تاریخی خواهد بود؛ که رویکرد پژوهش مبتنی بر عوامل اجتماعی و اعتقادی می باشد. این پژوهش بر اساس اطلاعات کتابخانه ای و تحلیل محتوا انجام شده است. جهت انجام آن از منابع متعدد در زمینه های مختلف تاریخی، اجتماعی، هنری، معماری وفلسفی استفاده شده است. در نهایت با جمع بندی و تحلیل داده ها مصادیق اصول جامعه شناسی اسلامی در مجموعه نقش جهان حاصل گردید.

۴. پیشینه پژوهش:

سهیلی(۱۳۸۶) در مقاله ای تحت عنوان "از نقش جهان تا کامپیدولیو" با مطالعه تطبیقی شیوه شهرسازی رنسانس و مکتب

اصفهان، شکل گیری این دو میدان را پاسخی مشترک برخواسته از نیازهای انسانی یافته است.

فروتن(۱۳۸۸) درمقاله "تحلیلی از فضاهای شهری از تبریز ایلخانی تا اصفهان صفوی(بررسی زمینه های اجتماعی، اقتصادی،سیاسی و فرهنگی)" به بررسی تحولات رخداده در فضاهای شهری از دوره ایلخانی تا ظهور مکتب اصفهان پرداخته و در نهایت به تکامل فضاهای شهری پیش از صفویه از طریق مکتب اصفهان و انتقال کانون گسترش شهری از ارسن های مذهبی صوفیه به ارسن های تجاری- خدماتی یا مذهبی شیعه رسیده است.

بمانیان و امینی(۱۳۹۰) در مقاله "بررسی شاخصهای موثر درشکل گیری تعادل در معماری مسلمانان" با روش پژوهش موردی شاخصهایی را در شکل گیری تعادل در معماری اسلامی موثر دانسته.

پی-بلیک(۱۳۸۱) در کتاب" نصف جهان" به بررسی معماری اجتماعی اصفهان در دوره صفویه پرداخته و با این راهکار به بدنه و طرح کلی یک ساختار مهمم زندگی بشری پی برده است.

باطنیه و دیگران(۱۳۹۳) در مقاله " بررسی معماری اسلامی دوره صفویه" با رویکردی مروری به بررسی زمینه های شکل گیری مکتب اصفهان پرداخته و بعضی زوایای ناشناخته آن را بازیابی کرده اند.

۵. چارچوب نظری:

۵-۱. تعاریف مربوط به هنر

۵-۱-۱. تعاریف فلسفی: (زیبایی شناختی)

نظریه های عینی (برون ذاتی): تعاریف عینی هنر با رویکردهای ایدئالیستی و ماتریالیستی وجود دارد که به دلیل حقیقی بودن یا هماهنگ بودن حس زیبایی را در انسان تحریک می کند و موجب ایجاد لذت می شود(راودراد،۱۳۹۳؛ ۲۹۷).

نظریه های ذهنی(درون ذاتی): زیبایی صفت ذاتی اشیا نیست بلکه در نفس بیننده است،زیرا نتیجه فعالیت روحی کسی است که زیبایی را به اشیا نسبت می دهد یا در اشیا کشف می کند. برای کسی که قادر به این کشف باشد زیبایی همه جا یافت می شود و پیدا کردن آن عبارت است از هنر؛ به این اعتبار زیبایی یکی از فعالیت های روح است(همان، ۲۹۷).

نظریه های عینی-ذهنی(دوقطبی): زیبایی فی نفسه موجود است اما باید درک شود و کارهنرمند این است که از روی زیبایی پرده را کنار بزند (همان،۲۹۸).

۵-۱-۲. تعاریف جامعه شناسی از هنر:

جامعه شناسی بطور ضمنی، و گاه صریح و آشکار،زیبایی شناسی سنتی را به چالش می طلبد.البته شیوه های مختلفی برای پاسخ گفتن به این چالش وجود دارد. (رامین، ۱۳۸۹: ۴۴۳)

نظریه تولستوی: وی تعاریف را به دو دسته عینی-عرفانی و ذهنی تقسیم می کند، اما مبنای هر دو را لذت می داند (همان،۳۰۰)

نظریه جانت ولف: تعریف هنر امری وابسته به شرایط اجتماعی است و از آنجا که شرایط اجتماعی در طول زمان و عرض جغرافیا متغیر هستند، تعریف هنر نیز ن می تواند امری ثابت باشد (همان،۳۰۲)

نظریه ویکتوریا الکساندر: عملا ممکن نیست که هنررا در عبارات انتزاعی تعریف کرد ، زیرا آنچه هنراست حتی در وسیع ترین حالت به طور اجتماعی تعریف شده و بنا براین موضوع بسیاری از تناقضات است (همان،۳۰۳).

۵-۲. جامعه شناسی هنر:

هدف جامعه شناسی هنر این است که ببیند تفکرات ذهنی تا چه حد در زندگی جامعه ریشه دارد ، بی آنکه جزم اندیشی کند و تعصب به خرج دهد(دووینیو،۱۳۹۲؛ ۲۱). می دانیم که رابطه ای دائمی میان نیروهای فعال در چارچوب زندگی جمعی وجود دارد که به تناسب شرایط اجتماعی تغییر می کند و هرچه این واقعیت را بهتر بفهمیم درک ما از واقعیت وجودی اثر هنری ژرف تر خواهد بود. درک رابطه هنر و زندگی جمعی برای آفرینش هنری اهمیت بنیادی دارد ، چراکه در همین مناسبات میان هنر و زندگی اجتماعی است که یک اقدام متقابل کمابیش موفقیت آمیز صورت می گیرد(همان،۴۷). البته نمی توان تغییرات ساختارهای اجتماعی را تنها علت و شرط آفرینش هنری دانست اما باید گفت که تقریبا همه دوره های بزرگ خلاقیت هنری با اینگونه تحولات اجتماعی همزمان بوده اند (همان،۶۸).

۵-۳. هنردینی از دیدگاه جامعه شناسی:

دراینجا سروکار ما با جوامعی با گرایش روحانی است که در آنها هنرمند کارگزار ذات مطلق، نماینده خدا روی زمین یا نماینده ذات مقدس یا نیرویی تلقی می شود که احکامی فراتر از قوانین بشری صادر می کند. در چنین جامعه ای هنرمند عالم یا پیامبر دانسته می شود و هر اثری که بیافریند مقدس است. هر آنچه به او مربوط می شود تحت تاثیر این واسطگی قرار می گیرد که به او نیرویی فوق طبیعی می دهد نیرویی که اغلب به نیروی یک کاهن یا یک الهه شباهت دارد. با این همه فرق است میان هنری که احساسات مذهبی را بیان می کند و هنری که معنویت مذهبی باآن سرشته شده است و از آن تفکیک شدنی نیست. مالرو به این تمایز مهم اشاره می کند و می گوید که تفاوت را باید در زمینه رابطه هنرمندان با فرم جستجو کرد: یا هنرمند خودرا به دست جذبه فرمهای اساسی رها می کند و نتیجه کارش آنی می شود که در هنر سومری و آثار باقیمانده از شهر گالاش سومر می بینیم؛ یا هنرمند با بیان آگاهی مستقل خودش از شوری مذهبی خبر می دهد و نتیجه کارش آنی است که در مجسمه های مسیحی یا بودایی دیده می شود (دووینیو، ۱۳۹۲: ۸۴).

سید حسین نصر، هنر سنتی را هنری می داند که بر اساس اصول دینی و سنت الهی قصد نمایش مبدا هستی را دارد و هنر مقدس را جلوه خاصی از هنر سنتی می داند که قصد ترویج دین در یک جامعه سنتی را دارد. در عوض هنر دینی را مربوط به دوران مدرن و پسامدرن می داند که درآن هنر اصولاً از سنت های الهی جدا شده و مبتنی بر تفکر اومانیستی است. می توان گفت هنر دینی با هنر مقدس متفاوت است. هنر دینی در جامعه مدرن یافت می شود، درحالیکه در جامعه سنتی هنر قدسی وجود داشته است. جامعه مدرن انسان محور است و جامعه سنتی خدامحور (راودراد، ۱۳۹۳: ۳۰۷).در هنر جامعه سنتی هنرمند به عنوان میانجی و شفیع عمل می کند و نقشش با نقش بت ساز اشتباه می شود . مثل هنر مصر، سومر، آزتک. و در هنر جامعه مدرن مثل هنر رومی، نقاشان بیزانسی و بودایی این نگرش بازتاب معنویت خاصی نیست اما تفسیر فعالیت مذهبی در جوامعی است که در آنها سلسله مراتب مذهبی بشدت قوام یافته و در انواع نهادها و گروهها سازمان بندی شده است و رقابت با دیگر سلسله مراتب اجتماعی را آغاز می کند (دووینیو، ۱۳۹۲: ۸۵).

از نظر بورکهارت هدف غایی هنر مقدس، فراخوانی و یادآوری احساسات یا انتقال تاثرات نیست، بلکه هنر مقدس، رمز است و بدین علت جز وسایل ساده و اولین و اصلی، از هر دستاویزی مستغنی است ... ریشه و اصلی آسمانی دارد، زیرا الگوهایش بازتاب واقعیت ماوراء عالم صورند. هنر مقدس نمودگار سرشت رمزی عالم است و بدین گونه روح انسان را از قید متعلق به واقعیات ناپایدار می رهاند (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

۶. اسلام و معماری اسلامی:

معماری اسلامی یکی از بزرگترین جلوه های ظهور یک حقیقت هنری در در کالبد مادی بشمار می رود. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری بشمار می آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده، از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد. معماری اسلامی بعنوان یکی از موفق ترین شیوه های معماری در تاریخ معماری جهان قابل بازشناسی است (باطنیه و دیگران، ۱۳۹۳: ۱). با نگاهی به گذشته می توان دریافت که تمدن عظیم و باشکوه ایران با در آمیختن با تعالیم اسلامی و ایجاد تمدن درخشان اسلامی جلوه گر شده است، این آمیختگی انتقال مفاهیم اعتقادی اسلام را به معماری در پی داشته است(بمانیان و امینی، ۱۳۹۰: ۱۷). الگ گرابار در تحقیق خود در زمینه محیط شهری صدر اسلام می گوید: این اسلام بود که انعطاف پذیری را درشهرهای اسلامی و طبقه حاکم آن ، وارد نمود نه بدان دلیل که اسلام لزوما به تمامی مشکلات شهر نشینی واقف بود ، بلکه به این دلیل که اسلام از ماهیتی انتزاعی برخوردار است که قادر به پاسخگویی به تمام مشکلات می باشد. این پاسخگویی به مشکلات با تکیه بر آموزه ها و توصیه هایی از قبیل موارد ذیل موثر است.

۶-۱. امت:

اسلام سنتی است که جهت یابی و گرایش آن به روی جامعه می باشد. تاثیر این جهت یابی را در تعبیر مفهوم امت که همان جامعه مسلمانان است می توان یافت. این مفهوم تکلیفی صریح به همه مسلمانان است که دارای یکپارچگی باشند؛ یعنی جامعه واحد، یک امت، این مفهوم در سراسر قرآن تاکید شده است. تعهد به تشکیل امت لازمه آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی (خانواده، اهل محل و همسایگی) است. این باعث ایجاد نوعی احساس وفاداری ، همبستگی و انسجام در جامعه ای که بر اسلام پایدار است می شود. فشردگی شهری در شهرهای اولیه مسلمان نشین، سمبلی از تعبیر«امت» است که صرفنظر از متغیرهای فرهنگی یا محیط داخلی و محلی، در شهرهای بیشماری در سراسر جهان اسلام مشهود است (مرتضی، ۱۳۸۷: ۴۱).

۶-۲. تعامل اجتماعی مستحکم:

زندگی بشر بدون مراوده و تعامل اجتماعی امکان ندارد و اسلام نیز بر ایجاد ارتباط اجتماعی وقع می نهد. میدانهای کوچک مابین منازل در شهرقدیم جده با تقویت تعامل بین ساکنین، از ارزش اجتماعی خاصی برخورداربودند (همان،۴۵).

۶-۳. وحدت:

یکپارچگی و وحدت مسلمانان با نحوه واکنش فرد مسلمان (از طریق اعمال) به اصول اسلام آغاز می گردد. اسلام در قرون ۱۲ تا ۱۴ میلادی در مناطقی از جهان رواج داشت که دارای طیف وسیعی از انواع رسوم اجتماعی خود بودند(همان، ۶۳). یکپارچه شدن همه سرزمین ها و اقوام ایرانی در دوره صفوی تحت یک حکومت واحد، مستقل و ایرانی، رواج مذهب رسمی واحد مورد حمایت نظام سیاسی کشور و نوع حکومت متمرکز که فرمانروایان محلی را از مرکز سیاسی کشور گسیل می داشت، منجر به فراگیر شدن یک فرهنگ عامه و همچنین بخش دیگر عناصر فرهنگی که از دین مایه می گیرند، گردید(گودرزی، ۱۳۸۷: ۳۰۴). بافت شهری «مدینه» در عهد عثمانی در آغاز قرن نهم میلادی،عدم وجود فضاهای باز بزرگ، ازهرگونه تفکیک و ازهم پاشیدگی جلوگیری می نمود (مرتضی، ۱۳۸۷: ۶۴).

۶-۴. تواضع:

هدف اسلام جلوگیری از خودبینی و غرور و ترغیب سادگی می باشد (همان، ۶۹).

۶-۵. اعتدال، عدالت و تعادل:

در قرآن چهره های گوناگون عدل مورد بررسی قرار گرفته و از جنبه های تکوینی، تشریعی، اخلاقی و اجتماعی مطرح شده است. قرآن تصریح می کند که نظام هستی و آفرینش بر عدل و توازن و بر اساس استحقاق ها و قابلیت هاست (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰: ۱۹).

۷. تحولات دوره صفویه:

مهمترین تحولات در این دوره انتقال پایتخت، در سال ۹۹۹/۱۵۲۰ از قزوین به اصفهان توسط شاه عباس و تغییر مذهب ایرانیان از تسنن به تشیع بود؛ که به گفته استفان پی بلیک تا قبل از دوره شاه عباس جریانی آرام، منقطع و نامرتب داشت اما شاه عباس برای تسریع بخشیدن به این روند علمای عرب شیعه مذهب چندی از لبنان و عراق به ایران وارد نمود . وظیفه اصلی علمای اسلامی مسجد و مدارس(مسجدنشینان و مدرسه نشینان) تغییر مذهب از تسنن به اسلام شیعه بود (پی-بلیک، ۱۳۸۱: ۱۵). تحول دیگری که مورد بحث ماست تغییر مرکز شهر اصفهان بود. تا زمان شاه عباس میدان هارون ولایت، قلب شهر اصفهان به شمار می رفت. میدان مرکزی اصفهان را در سده شانزدهم، بازار، گرمابه، کاروانسرا، کاخ، قهوه خانه، مدارس و مساجد در بر گرفته بود.(همان،۳۲). شاه در محوطه ای توسعه نیافته از شهر، طرح میدانی عمومی را افکند و مردانش را واداشت تا گرداگرد آن عمارت های کاملاً جدیدی بنا کنند: بازارها و عمارتهای شاهی جدید، مساجد، مدارس، کاروانسراها و قیصریه های تازه احداث با دروازه های ورودی جدید، با شکوه و حیرت انگیز. (همان، ۴۲).

در زمان صفویان یک سلسله بناهای عالی و باشکوه بخصوص در اصفهان پایتخت جدید پدید آمد و رنگها در همه آنها بکار گرفته شد و همه سطوح قابل رؤیت بنا را فرا گرفت. (میشل، ۱۳۸۰: ۲۵۲)

۸. جامعه و دولت صفوی:

تحول و توسعه نهادهای تشکیلاتی صفوی دارای سه مقطع عمده بوده است:

- دوره اول، بین جلوس شاه اسماعیل و شاه عباس اول (۹۰۷/۹۹۶ هـق/۸۸-۱۵۰۱ م): دوره تحول و سازگاری که طی آن دوره، وظایف اصلی ماموران دولت کاملا مشخص نبود و قدرت ماموران با یکدیگر تلاقی داشت؛
- دوره دوم، سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ هـق/۱۶۲۹-۱۵۸۸م): بازسازی تشکیلات دولت صفوی بر پایه ارکان جدید؛
- دوره سوم، از جلوس شاه صفی تا سقوط سلسله صفوی(۱۱۳۵-۱۰۳۸هـق/۱۷۲۳-۱۶۲۹م): عدم تحرک و زوال تدریجی سازمانها (فروتن، ۱۳۸۸: ۱۰۱). با توجه به زمان احداث میدان نقش جهان دوره دوم حکومت صفویان مد نظر است.

طبقات اجتماعی قبل از صفویه، شبیه به دوره های قبل بخصوص دوره سلجوقیان بود، جز این که در این دوره قدرت اشراف نظامی ایلات بیشتر بود و جدایی بیشتری بین گروه حاکم کوچ نشین و مردم، بدلیل اختلافات زیاد مذهبی و فرهنگی وجود داشت. با نزدیکتر شدن به زمان صفویان به دلیل آمیختگی بیشتر این گروهها با مردم و گرویدن آنان به اسلام این جدایی کمتر می شود(همان، ۱۰۰). اما در مورد طبقات اجتماعی دوره صفویه تقسیمات متفاوتی وجود دارد ازجمله:

عموم صاحب نظران سه طبقه برای جامعه عهد صفوی برشمرده اند، طبقه حکام و اشراف، طبقه میانه و طبقه زیرین یا پایین

جامعه. اسکندر بیگ منشی ضمن برشمردن گروه های مختلف از سه طبقه فرومایه، اواسط الناس و خواص یاد می کند (گودرزی، ۱۳۸۷: ۳۱۰).

ابنا به چهار طبقه تقسیم می شوند: عالی، اشرف، اوسط، ادنا:

طبقه عالی متشکل از سلاطین، امرا، مقامات دینی، وزرا، دوستان خاصه دربارشاهی و سران کارگران حکومتی.

طبقه اشرف را سیدین، شیوخ، علما، فضلا، قضات، مناصب شرعی و دیگر مقامات مذهبی تشکیل می دهند.

طبقه اوسط نیز، جمع بزرگی از دهاقین، تجار، مهندسین هنرور و پیشه وران و هنروران مهارت را در بر می گیرد

طبقه ادنا را نیز پیشه وران (موهتریفان)، صناع، اهالی بازار و پیشه وران تشکیل می دادند (پی. بلیک، ۱۳۸۱، ۳۱۱).

درست هنگامی که تحولات سیاسی شاه عباس شالوده حکومتی قدرتمند و شکوفا را در سطحی وسیع بنیان نهاد، تلاشهای او در جهت تبیین و سازماندهی مجدد شهر اساس پیشرفت های سیاسی اقتصادی و مذهبی آینده را فراهم آورد (همان، ۱۸۲). تاسیس دولت وجامعه شیعی به همراه خود ساختار و نهاد دینی خاص خودش را به وجود آورد؛ نهادی که در حد فاصل دولت شیعی و جامعه شیعی قرار داشت و کنشی دو سویه در پیوند با دولت و جامعه پیدا کرد. مهمترین کنش این نهاد با ساختار سیاسی، تبیین مفاهیم کاربردی در ساخت قدرت بود. این کنش بر پایه واقع بینی سیاسی قرار داشت و تا اندازه قابل توجهی به مشروعیت آن ساختار کمک شایانی کرد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۴۵). تمرکز قدرت حاکمیت و دیوان سالاری و تشکیل دولت در زمان شاه عباس که با در اختیار گرفتن همه عناصر تولید و بازرگانی در اکثر نقاط کشور و تمرکز قدرت سیاسی، مذهبی و نظامی در شخص شاه که هم به عنوان رهبر سیاسی و هم رهبر مذهبی بود (با لقب مرشد اکمل) باعث شد شاه عباس بتواند همه عناصر را کنار هم جمع کند (فروتن، ۱۳۸۸ : ۱۰۳). تا نیمه های سده هفدهم اصفهان از نظر جمعیتی و ثروت رشد چشمگیری کرده بود و بازرگانان، صنعتگران و هنرمندان بسیاری از حوزه های گوناگون حکومتی و در کل از سر تا سرجهان به این شهر روی آوردند (پی. بلیک، ۱۳۸۱: ۱۴). در دوره صفویه، بازرگانان در پی کسب منفعت و مال فراوان از طریق راههای ارتباطی شرقی-غربی و شمالی-جنوبی وارد این سرزمین می شدند و لاجرم به اصفهان شهری که تبدیل به پایگاهی برای تجارب بین ممالک شده بود، سفر می کردند؛ چنین سفرهایی را می توان در این مقطع زمانی حساس تاریخ ایران، نمونه ای از طرز برخورد جدید اروپا در مقابل روابط ایران و عثمانی قلمداد کرد (راد احمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷).

۹. وقف:

یکی از دوره های شکوفایی وقف در تاریخ ایران، عصر صفویه است. در طی حکومت این خاندان، به دلایل چندی از جمله سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله و ایجاد یک حکومت دین مدار، وقف گسترش بسیاری یافت(احمدی، ۱۳۹۰: ۲۵). در اسلام وقف مصرف درآمد به نیت خیر است. مردان و زنان متمول و ثروتمند، وقف را به جهت حمایت مالی از مساجد، مدارس، امامزاده و شفاخانه ها، باب کردند. آنان بخشی از اموال خود را به منظور اندوخته روز حساب وقف می کردند. مردان نامدار در بسیاری از محلات، اقدام به احداث مساجد مرکز محله می کردند و عایدات کاروانسراها، گرمابه ها، قهوه خانه ها و دکانهای مجاور آن را به مصرف هزینه های نگهداری مسجد می رساندند (پی.بلیک، ۱۳۸۱: ۱۵۴). علاوه بر سیاست دولت مبنی بر اشاعه مذهب تشیع اثنی عشری، گسترش وقف هم عامل مهم دیگری در رشد مدارس این دوره بود. اگرچه وقف خود از عوامل محیطی چندی تاثیر پذیرفته است، اما با این وجود تاثیر مستقیم آن را بر مدارس و شیوه کار آنها نمی توان نادیده گرفت (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۳). توجه به ساخت و معماری این مدارس که غالبا از الگوی مشابهی پیروی می کنند، حاکی از اهمیتی است که واقفان و بانیان این مدارس برای تعلیم و تربیت قائل بودند (همان، ۴۶).

۱۰. مکتب اصفهان:

تحولات سیاسی اجتماعی که به تدریج در ایران بعد از حمله مغول انجام گرفت، موجب دگرگونی هایی پیوسته در معماری و شهرسازی ایران شد. در این تحولات اقداماتی که از زمان شاه طهماسب شروع شده بود و در زمان شاه عباس به اوج خود رسید را باید نقطه عطفی به شمار آورد که زمینه ایجاد مکتب شهرسازی اصفهان شد. بسیاری از عناصر شهرسازی مکتب اصفهان مانند میدان حکومتی، خیابان مشجر، مجموعه باغ-کاخ، ارسن مذهبی صوفیه، شهرک جدید در کنار شهر قدیم، قبل از مکتب اصفهان شکل گرفت و سپس با تحول زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مذکور در حکومت شاه عباس، ترکیب آنها در مکتب اصفهان ممکن شد(فروتن، ۱۳۸۸: ۱۰۵). آموزه های این مکتب، زندگی و حیات مردم زمانه را در زمین ههای مختلف تحت تأثیر قرار داد و هنرمندان رشته های مختلف، با زبان و بیان خود، در اظهار این معانی سعی کردند. معماران و شهرسازان صفوی نیز با دریافت این آموزه ها، به ارائه تصاویر نمادینی که گویای پیام های نوین شیعی بود، پرداختند. در این میان مساجد و مدارس نقشی ویژه داشتند (باطنیه و دیگران، ۱۳۹۳: ۳). در شهر سازی مکتب اصفهان، همه نهادها و مراکز فعالیتشان که قبلا جدا جدا شکل گرفته بودند یک جا گرد هم آمده و ساماندهی شدند؛ بازار، نهاد بازرگانی، مدرسه، خانقاه و مسجد نهاد مذهبی، کاخ و مجموعه باغها ومسیرهای درختکاری شده (مثل چهارباغ)، نهاد سلطنت، میدان نظامی، نهاد اشرافیت نظامی، در کنار محله های مسکونی که نشان همزیستی تنگاتنگ زندگی شهری، روستایی وکوچ نشینی بود (فروتن، ۱۳۸۸: ۱۰۴). به بیانی دیگر عنصر وحدت دراین شیوه تا جایی ادامه یافته که بناهایی با عملکردهای مختلف چون مسجد، مدرسه و بازار بصورتی واحد انسجام یافته اند؛ در حالیکه به نیازهای عملکردی خود بصورتی کاملا مشخص ادامه می دهند؛ که این خود شاهد دیگری بر انگاره وحدت در کثرت در معماری ایرانی است (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳: ۶۳).

۱۱. میدان:

بارزترین ترکیب کلامی مکتب اصفهان در مجموعه های کالبدی-فضایی به کار گرفته می شود. براین مبنا هر مجموعه زیستی از این پس، واجد یک میدان و یا یک مرکز ثقل خواهد بود(سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). میدان به مثابه مرکز شهر صفویه، عمارتهای مذهبی مهمی را در بر می گرفت. میدان نماد مرکزیت سیاسی را نیز بر تارک داشت و قصرهای دولتی یا حکومتی در آن استقرار یافته بودند. میدان در قالب مرکز فرهنگی، قهوه خانه، میخانه و شیره کش خانه را در خود جای داده بود و محل برگزاری مسابقات چوگان، اسب دوانی و مناسبتهای دیگر نیز به شمار می رفت. میدان به عنوان مرکز اقتصادی، مغازه، سوق و در شهرهای بزرگ قیصریه ها را نیز در خود داشت (پی.بلیک، ۱۳۸۱: ۴۰). اصفهان پس از احداث میدان نقش جهان دارای دو میدان بود: میدان نو و کهنه. میدان هارون ولایت (میدان کهنه) در پایان سده هفدهم، دیگر به مکانی برای فعالیت های اقتصادی و اجتماعی مردم عادی تبدیل شده بود (همان، ۱۲۵). میدان کهنه اصفهان که امروز اثری از آن باقی نیست از عناصر اصلی شهر اصفهان در سده های میانه بوده است. در اطراف میدان کهنه عناصر مختلفی مانند مساجد، مدارس، کاخ ها، بازار، قیصریه و نقاره خانه قرار داشتند که اغلب آنها ظاهراً تا قرن هفدهم میلادی پا برجا بوده اند (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

۱۱-۱. میدان نقش جهان:

مظهر معماری دوره صفویه در اصفهان، میدان نقش جهان است. میدانی عظیم که شاه عباس قلب پایتخت نوبنیاد خویش را در آن پی نهاد. نمونه موفقی از فرم معماری، تلفیقی از فضا و توده در ترکیبی خیره کننده با ۱۶۷۰ پا درازا و ۵۲۰ پا پهنا، با فضای تهی گسترده ای که بازتاب قدرت و شکوه پادشاهی صفویه بود (پی.بلیک، ۱۳۸۱: ۱۳). میدان نقش جهان شاخص ترن میراث معماری

دوران شکوفایی اقتصادی-سیاسی شهر اصفهان در عصر صفوی است (راد احمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳). شاه در محوطه ای توسعه نیافته از شهر، طرح میدانی عمومی را افکند و مردانش را واداشت تا گرداگرد آن عمارتهای کاملا جدیدی بنا کنند: بازارها و عمارتهای شاهی جدید، مساجد، مدارس، کاروانسراها و قیصریه های تازه احداث با دروازه های ورودی جدید، باشکوه و حیرت انگیز (پی.بلیک، ۱۳۸۱: ۴۲). میدان نقش جهان با اینکه الگوی خود را از میدان کهنه اصفهان، میدان حسن پادشاه تبریز و میدان عالی قاپو قزوین می گیرد، ولی این الگوی کهن را نظمی کاملاً منطقی می بخشد و با دقتی بی نظیر به ترکیب و تنظیم هندسی و فضایی عناصر پیرامونی و درونی آن می پردازد (سهیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

۱۱-۱-۱. مسجد شیخ لطف الله- دوره صفویه ۱۶۱۷

این مسجد از اولین بناهایی است که در اطراف میدان ساخته شد و هسته مرکزی مجتمع جدید شهری شاه عباس را تشکیل می دهد(میدان نقش جهان)یک سرسرای ورودی سنجیده در مسجد جهت آن را طوری تنظیم کرد که مطابق با جهت اصلی قبله باشد.(میشل، ۱۳۸۰: ۲۵۴)

۱۱-۱-۲. کاخ عالی قاپو- دوره صفویه- اوایل سده هفدهم

مفهوم ایرانیان از کاخ چندان همخوانی با مفهوم اروپاییان ندارد و چندین کارکرد را در زیر یک سقف گردمی آورند. مفهوم صفویان از کاخ براساس الگوی عقیده کلاسیک از یک گلستان یا باغ سامان یافته و در آن شماری از کوشکهای مختلف کارکردهای گوناگونی را بر عهده گرفته و گاهی نه اتفاقی بلکه از روی فصول تنظیم شده است. شاه عباس عالی قاپو را بر اساس یکی از بناهای پیشین تیموری، در ورودی جایگاه سلطنتی اصفهان و مشرف بر میدان مرکزی طرح افکنی کرد. کارکرد عمده این بنا در مقام دروازه کاخ پذیرایی بود. (میشل، ۱۳۸۰: ۲۵۴)

مراسم ۲۱ رمضان در اطراف عالی قاپو:

روز ۲۱ رمضان که تعطیل عمومی است مردم اصفهان را رسم این است که در اطراف عمارت عالی قاپو اجتماع کرده و نذرهایی که تعهد کرده اند از قبیل آش و حلوا و غیره را همانجا طبخ کرده بین فقرا توزیع نمایند. در این روز یعنی ۲۱ رمضان هر سال در میدان نقش جهان و در قسمت غربی آن در اطراف عمارت عالی قاپو اجتماع غریبی از شهری و دهاتی و زن و مرد برپاست.

(انصاری، ۱۳۹۲: ۲۸۲)در نماز جماعت ۲۱ رمضان تمام مسجد شاه از صحن و زیر گنبد و چهل ستون و غیره از جمعیت مملو می شود. (انصاری، ۱۳۹۲: ۲۸۳)

۱۲. تحلیل:

با توجه به تحولاتی که در دوره صفوی، بخصوص از زمان سلطنت شاه عباس اول به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در ایران رخ داد، می توان گفت این عوامل به لحاظ جامعه شناختی عوامل مهم و تاثیر گذاری بر روند زندگی مردم در اجتماع هستند و در کنار آن تفکرات و عقاید مردم را نیز تحت الشعاع قرار می دهند. از آنجا که از دیدگاه جامعه شناسی، آفرینش هنری (که معماری شاخه ای از هنر محسوب می شود) بازتاب تفکرات و عقاید جامعه است؛ خواه ناخواه این عوامل باعث شکل گیری مکتب اصفهان گردید. در مورد اینکه کدامیک از این عوامل بر دیگران چیره بوده یا مقدمه دیگر عوامل محسوب می شود جای بحث و پژوهش دیگری دارد، اما آنچه مشخص است این است که مکتب اصفهان حاصل تعاملات و تقابلات همه جانبه این عوامل است.

در جامعه مذهبی زمان صفویه دینمداری رویکرد اصلی و غالب بر زندگی مردم بوده و عمومیت داشته است. قرارگیری بناهای مذهبی مثل مسجد در کنار بناهایی که عنصر قدرت محسوب می‌شدند باعث ایجاد تعامل بیشتر مردم شده و آنها میتوانستند در حالی که به عبادات روزانه خود رسیدگی می‌کردند در جریان مسائل سیاسی و دولتی نیز قرار بگیرند.

از جهتی قرارگیری مسجد در کنار بازار باعث کاهش نقش مادیات در زندگی مردمی شده که روز را به داد و ستد و مسائل مربوط به مادیات می‌گذرانند.

تصویر۱. عکس هوایی میدان نقش جهان در گذشته، قرارگیری عناصر قدرت، مادی و معنوی در کنار هم (ماخذ: نگارنده)

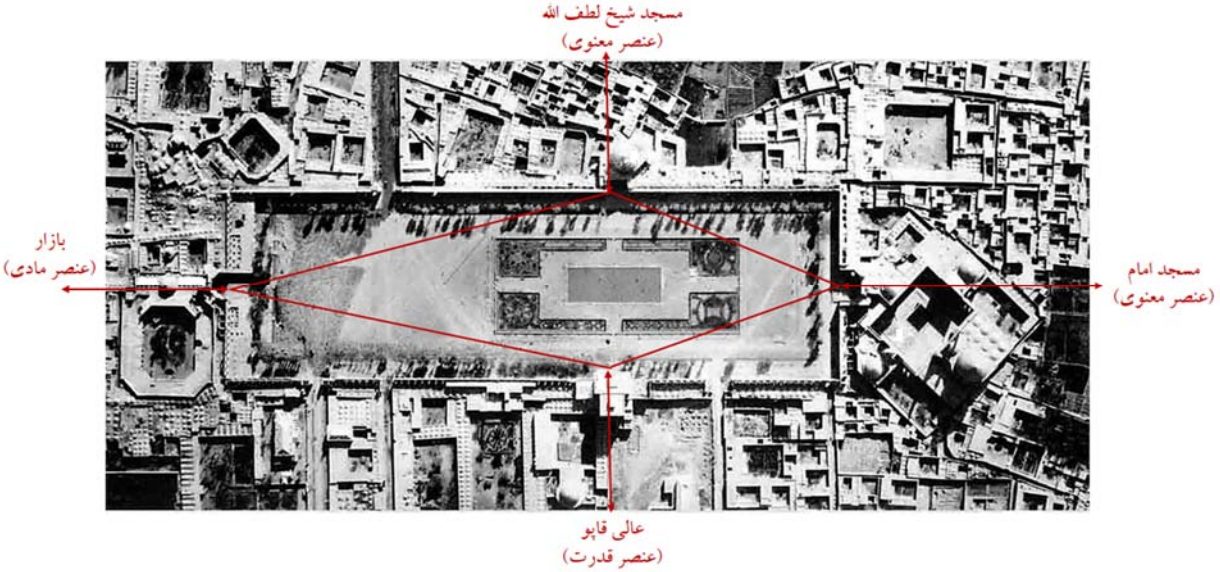

تصویر۲. قرارگیری عناصر مذکور در کنار هم با تناسبات مناسب (ماخذ: نگارنده)

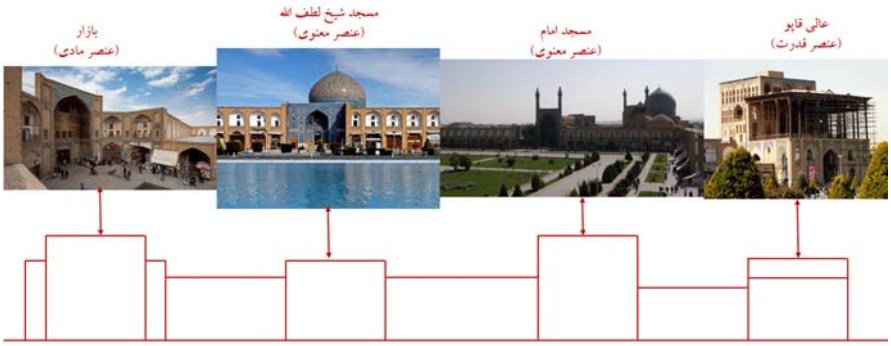

تصویر۳. جای‌گیری سه عنصر معنوی، مادی و سیاسی در کنار هم و ارتباط آنها نسبت به هم (ماخذ: نگارنده)

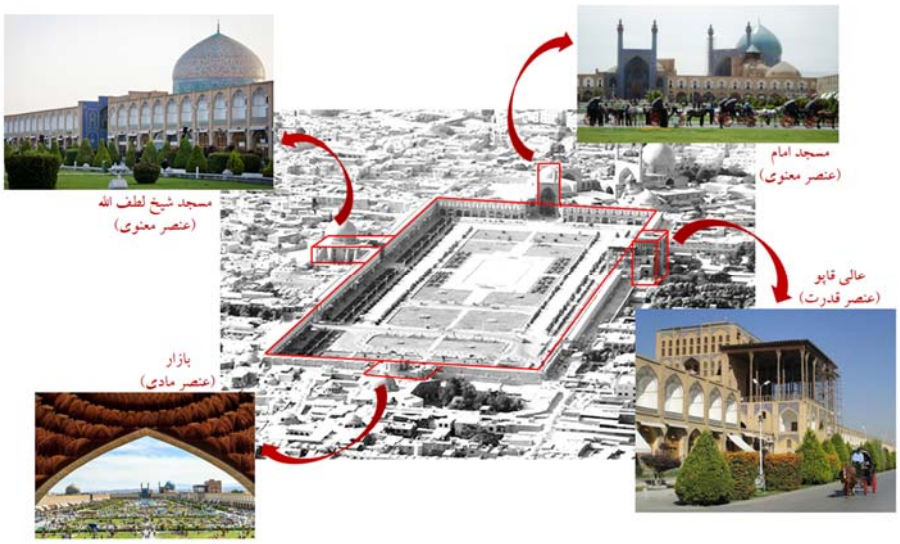

تصویر۴. فواصل عناصر نامبرده نسبت به هم (ماخذ: نگارنده)

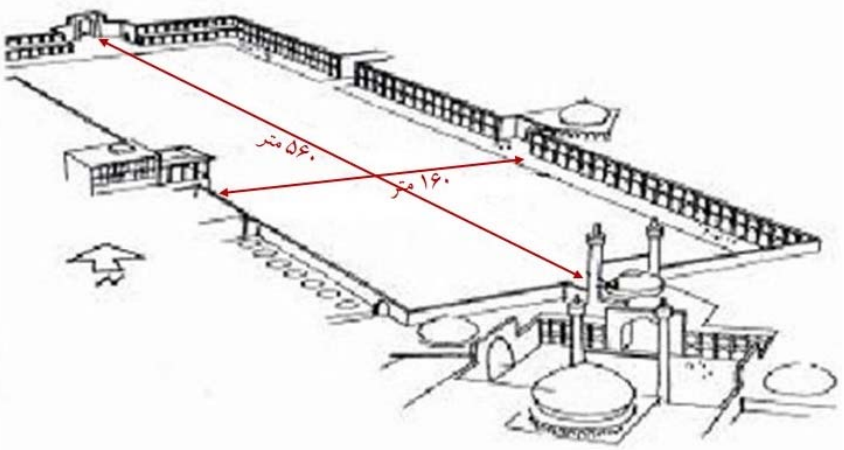

نتیجه گیری:

با بررسی عوامل جامعه شناختی و تحولات دوره صفویه به راحتی می توان مصادیق یک معماری ایرانی را که بر اساس آموزه های اسلامی پایه ریزی شده را در مجموعه میدان نقش جهان مشاهده کرد که در ادامه تعدادی از این مصادیق معرفی می شوند:

وحدت: مصداق وحدت در میدان نقش جهان را می توان در تجمع عناصر مختلف شهری از جمله بازار، مسجد، مدرسه و عمارت دولتی در کنار یکدیگر دید.

تعامل اجتماعی مستحکم: احداث مراکز تجاری درمرکز شهر و اطراف مسجد به لحاظ اجتماعی و کارکردی امری ایده آل بود. این گونه رابطه بین محل قرارگیری مراکز تجاری، سبب ارتقاء هویت اجتماعی و مردمی این مراکز را فراهم می آورد. به عبارتی ، مراکز تجاری به ابزاری برای تقویت روابط اجتماعی بین ساکنین و جامعه تبدیل شدند.

تواضع: در ایران دوره صفویه نمای بیرونی خانه، مسجد، مدرسه، کاروانسرا، کاخ، عمارات و باغها تقریبا بی شکل و بدون آرایه بود که این سادگی در نما نشانگر تواضع در مجموعه نقش جهان است.

اعتدال: معماری شهری و سازماندهی فضایی مکتب اصفهان بیش از پیش براصل تعادل، توازن و تقارن تاکید می کند. انگیزه اصلی از ساخت درگاه قیصریه همانا تقارن در معماری و هماهنگ سازی بلندای ورودی با بلندی مسجد شاه بوده است.

امنیت: دکان ها را یک یا دو پا بالاتراز سطح خیابان احداث می کردند تا از گرد و خاک و گلابه در امان باشد. کوچه طویلی که از عالی قاپو تا دروازه مقدس امتداد داشت، مأمن حکومتی و محلی امن برای تبهکاران و ورشکستگان بود.

مراجع:

۱- احمدی، نزهت، (۱۳۹۰)، "در باب اوقاف صفوی(مجموعه مقالات)"، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
۲- انصاری، هرمز، (۱۳۷۹)، "مقدمه ای بر جامعه شناسی اصفهان"، تهران، انتشارات نقش جهان
۳- باطنیه، مهناز، رویین تن، مهسا، بهنود الناز، زینالی عظیم، علی،(۱۳۹۳)، همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری، کانون ملی معماری ایران (سویلیکا)
۴- بمانیان، محمدرضا و امینی ، معصومه، (۱۳۹۰)، بررسی شاخصهای موثر درشکل گیری تعادل در معماری مسلمانان(نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان)،"شهر ایرانی اسلامی"، شماره ۵، پاییز۹۰، صص۲۷-۱۷
۵- پی. بلیک، استفان، (۱۳۸۱) ، "نصف جهان معماری اجتماعی اصفهان صفوی"، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشرخاک
۶- دووینیو، ژان، (۱۳۹۲)،"جامعه شناسی هنر"، ترجمه مهدی سحابی، تهران: مرکز
۷- راد احمدی، مینا، تهرانی، فرهاد، ایوبی، رضا،(۱۳۹۰) ، معرفی و نقد چند سند تصویری-تاریخی تازه یافته درمورد میدان نقش جهان، " باغ نظر" ، شماره ۱۷، تابستان ۹۰، صص۱۸-۳
۸- راودراد، اعظم، (۱۳۹۳)، رویکرد جامعه شناسی به هنر اسلامی، "جستارهایی در چیستی هنر اسلامی"،به اهتمام هادی ربیعی، تهران: موسسه تألیف، ترجمه ونشرآثارهنری«متن»
۹- رامین، علی، (۱۳۸۹)، جامعه شناسی در برابر زیبایی شناسی "مبانی جامعه شناسی هنر"، تهران، نشر نی، صص۴۴۴-۴۴۳
۱۰- سهیلی، جمال الدین، (۱۳۸۷)، از نقش جهان تا کامپیدولیو، "هویت شهر"، شماره ۳، پاییزو زمستان ۸۷، صص۱۱۵-۱۰۷
۱۱- فروتن، منوچهر، (۱۳۸۸)، تحلیلی از فضاهای شهری از تبریز ایلخانی تا اصفهان صفوی(بررسی زمینه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی)، "هویت شهر"، شماره ۴، بهاروتابستان ۸۸، صص۱۰۶-۹۵
۱۲- گودرزی، حسین، (۱۳۸۷)،"تکوین جامعه شناختی هویت ملی در ایران با تاکید بر دوره صفویه"، تهران، تمدن ایرانی
۱۳- مرتضی، هشام(۱۳۸۷)، "اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام"، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران، مرکز مطالعات
۱۴- مهدوی نژاد، محمدجواد، (۱۳۸۳)، حکمت معماری اسلامی.جستجو در ژرف ساختهای معنوی معماری اسلامی ایران، "هنرهای زیبا"، شماره ۱۹، پاییز ۸۳، صص۶۶-۵۷
۱۵- میشل، جرج، (۱۳۸۹)، "معماری جهان اسلام"، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران